

وحدت و تفرقه در پرتو احکام فقهی قرآن

وحدت و تفرقه در پرتو احکام فقهی قرآن

بهزاد مفاخری*

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی

قال رسول الله ﷺ عليه وآله :

إِذَا التَّبَاسَّاتُ عَلَيْكُمُْ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ السَّيْلِ الْمُظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ .

هنگامی که فتنه ها ، هم چون پاره های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست

که به قرآن تمسک جوئید. اصول کافی ج2م459

چکیده

اوضاع آشفته مسلمانان و اختلاف و دشمنی کشورهای اسلامی با یکدیگر، آتش جنگ را بدان حد شعله ور کرده که امت اسلامی را به ورطه نابودی کشانده است. این شرایط تعبیر حدیث « إِذَا التَّبَسَّاتُ عَلَیْكُمْ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ السَّيْلِ الْمُظْلَمِ فَعَلَايْكُمْ بِالْقُرْآنِ. » را تداعی میکند. لذا زمان آن فرا رسیده که برای رهایی امت اسلام از تاریکی فتنه ها، دعوت و اعتمضا بحبل را لیبیک گفته؛ و درمان خویش را در آن جست. اتحاد که «انسجام و یگانگی امت مسلمانان در انتخاب راه و هدف مشترک،» را معنا می دهد، از نظر قرآن امری واجب است و اختلاف که جزسستی و ازدست رفتن عظمت مسلمانان و نابودی امت اسلام چیزی به ارمغان نمی آورد، امری حرام، لذا بر امت اسلامی واجب است که حدود واجبات و محرمات الهی را نگهدارند.

واژه های کلیدی: قرآن، وحدت، اختلاف، امت اسلامی

مقدمه

امروزه دنیای اسلام را تاریکی فتنه ها همچون شب تاریک چنان دربرگرفته که ادامه حیات مسلمانان را به مخاطره انداخته است. تهاجم دنیای غرب به مسلمانان از یک سو و عدم احساس مسئولیت مسلمانان نسبت به همدیگر از دیگر سو، و نیز تفرقه افکنی و قتل عامهای کینه توزانه دسته جمعی و تهاجم مرگبار با سلاحهای پیشرفته و مدرن و سکوت مجامع بین المللی نشان از اختلاف و تفرقه خانمانسوزی دارد که میرود امت اسلامی را به ورطه نابودی بکشاند و این امر تمسک به قرآن را ضروری تر می سازد و همواره این پیام را می دهد که هم اکنون حیات و عزت مسلمانان درگرو بازگشت به قران و ارج نهادن توصیه های دلسوزانه پیامبر(ص) است. در میان آیات روشنگر قرآن توجه به دو مفهوم وحدت و اختلاف و ارتباط این دو واژه با سعادت جمعی امت فارغ از عوامل بیرونی اختلافات و تفرقه میان اعضای امت (دخالت بیگانگان)، میتواند راهگشای درک اهمیت وحدت و پرهیز از تفرقه در جهت نیل به سعادت فردی و به تبع آن سعادت جمعی امت باشد.

دین اسلام برای سعادت انسان ظهور کرد تا بشر را به سوی سعادت واقعی رهنمون باشد و در این راه با دید جهانشمول خود همه مرزهای نژادی، سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و... را درنوردد و همه انسانها را فارغ از همه این مرزبندیها تحت لوای مفهومی جدید با نام « امت » با مرزهای اعتقادی و چهارچوب تعریف شده فردی و اجتماعی پدید آورد. و در این میان با دستورالعملهای فردی، و اجتماعی خویش راه سعادت دنیا و آخرت را فراروی بشر نهاد.

امت تازه تاسیس یافته اسلام با رهبری پیام آور این امت - محمد (ص) - به عنوان آخرین فرستاده خدا، راه خود را بازیافت و با پیریزی تمدنی نوین، تاریخ بشر را - که به سوی انحطاط و سقوط پیش

میرفت - وارد مرحله جدیدی نمود. کتاب آسمانی قرآن به عنوان سند معتبر وحیانی از جانب خداوند راه و شیوه زندگی این امت را در ابعاد فردی و اجتماعی در جهت نیل به سعادت اخروی در کنار سعادت و آبادانی دنیا ترسیم نمود.

ایمان، اسلام، مومن و مسلمان مفاهیم کلیدی در ورود شخص به امت اسلامی هستند که قرآن چهارچوب آنها را تعریف کرده و ایمان سنگ بنای همه آنها به شمار میرود که عبارتست از «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ [۲۸۵/ بقره] این آیه به دو مورد از اصول سه گانه کلی ایمان (مورد اتفاق همه مسلمانان) یعنی توحید، نبوت و معاد اشاره دارد که از آنها به اصول دین تعبیر میشود. و هرکس به این امور اعتقاد داشته باشد اصطلاحاً ایمان آورده و چنین شخصی مومن نامیده میشود. شخص مومن برای ورود به امت اسلامی باید فروع دین را که عبارتند از شهادتین، نماز، روزه رمضان، حج و جهاد و شامل یک سری اعمال و آداب خاص میشود، به جایی آورد. که ترک آنها شخص را از دایره اسلام و در مرتبه بالاتر از ایمان خارج میکند.

بخش زیادی از آیات قرآن شامل یک سلسله احکام فردی و اجتماعی مرتبط با ایمان و اسلام است که در کنار یک سلسله مفاهیم اخلاقی، نظام ارزشی خاصی را شکل میدهند که فرد، فرد امت ملزم به اجرای این فرامین هستند. وجود نظام تنبیه و تشویق در پرتو ایمان به روز قیامت و بهشت و جهنم ضمانت اجرای احکام فردی و وجود نظام حقوقی در چهارچوب حکومت اسلامی ضامن اجرای احکام اجتماعی است. که همه این برنامهها در جهت نیل به سعادت فردی و به تبع آن سعادت جمعی در دنیا و آخرت است. نظام فقهی اسلام هم احکام فردی و اجتماعی مستخرج از قرآن و سنت را پوشش داده و وجوب و استحباب و یا حرمت مسائل را بر پایه اوامر و نواهی قرآن مشخص میسازد. در نگاه کلی هرآنچه در قرآن بدان امر شده حکم وجوب و هرآنچه از آن نهی شده حکم حرمت برای آن ثابت شده است. مانند وجوب نماز و حرمت غیبت و ربا. این نکته را هم باید اضافه نمود که وجوب و حرمت هرکدام از امور یاد شده، فلسفه خاص خود را دارد، و برای امور واجب خیر و برکتی نهفته است که عاید انسان شده و مفسده حاصل از برخی امور مانند غیبت و زنا موجب حرمت آنها گردیده است. به همین دلیل ترک امور واجب و ارتکاب عمل حرام هردو عقاب در پی داشته و مستوجب عذاب الهی خواهد بود. از آنجا که به نظر میرسد قرآن برای حفظ وحدت و یکپارچگی امت اسلام آنان را امر به حفظ وحدت کرده و از تفرقه و پراکندگی به شدت نهی کرده است، این نوشتار بر آن است تا مفاهیم مرتبط با وحدت و همدلی و یا اختلاف و تفرقه را با توجه به خیر و برکت و یا مفسده حاصل از آنها در چهارچوب احکام فقهی بررسی نماید، تا یکی از راههای برون رفت امت از پراکندگی و دشمنی در سایه احکام تعالی بخش قرآن تبیین گردد.

راغب اصفهانی میگوید: «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیء است که به طور قطعی جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می گردد، [راغب اصفهانی/ مفردات/ 757] و در کاربردهای فارسی نیز یگانگی، یگانه شدن و تنهایی را معنا می دهد. [دهخدا/ لغتنامه؛ 48/ 132]

اتحاد، مفهوم یکی شدن دو چیز یا چند چیز را می رساند. [الخوری/ اقرب الموارد؛ 2/1432] یگانگی داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی و یک جهتی در مفهوم اتحاد نهفته است. [دهخدا/ همانجا] واژه متحد به معنای یکی شده، پیوسته و متفق است. [همان]

اما واژه «اتحاد» و «وحدت» که روابط اجتماعی انسانها و امت مسلمان را گوشزد نماید، در قرآن نیامده است، ولی همین معنا در قالب الفاظ دیگر به شکل واضحی بیان گردیده است. آنچه در قرآن در ارتباط با روابط جامعه مسلمانان آمده با عناوین کلی چون اسلام در برابر کفر، مسلمان و مسلمانان در برابر یهود و نصاری، [آل عمران/ 67] مسلمانان در مقابل فرقه های باطل دیگر، [بقره/ 132 و 133]؛ آل عمران 84] مسلمانان در برابر شقاق، [بقره/ 136 - 137] مسلمانان در مقابل اهل کتاب، [آل عمران 64 / 64؛ عنکبوت/ 46] مسلمانان در برابر فرعونیان، [یونس/ 90] مسلمانان در مقابل کفار، [نحل/ 89] مسلمانان در برابر شرک به خدا، [انعام/ 163؛ یونس/ 72] ایمان و اسلام در برابر اعراب [حجرات/ 14] و مسلمانان در برابر مجرمان، [قلم/ 35] به کار رفته است.

کاربرد واژه های «مؤمنین» و «مؤمنون» در مقابل «کافرون» و «کافرین»، [آل عمران/ 28؛ نساء 141؛ مائده 54] و همچنین کاربرد ایمان در برابر کفر، [بقره/ 108؛ مائده/ 5؛ توبه/ 23؛ نحل/ 106؛ سجده/ 29] نیز در قرآن فراوان به چشم می خورد که به شکل تلویحی ناظر به واحد بودن و وحدت اسلامی است. و مسلمانان را مجموعه ای متحد و همسو و همرنگ در برابر مجموعه های پراکنده و متشتت دیگر قرار می دهد.

اما واژه دیگری که در قرآن هم بر جمعیت اسلامی و هم بر ادیان دیگر، اطلاق شده است و به نظر می رسد مفهوم و ملاک وحدت را بیش از هر عنوان دیگر در بردارد، واژه «امت» است که در چند جای قرآن کریم آمده است. [بقره/ 143، یونس/ 47] برای کلمه امت چند معنا ارائه گردیده است، که برآیند همه آنها به معنای جماعتی است که دارای هدف و مقصد مشترک بوده و این هدف و مقصد واحد رابطه واحدی میان افراد ایجاد کند، این جاعت دارای یک رهبر بوده و از یک مرام و مکتب پیروی می کنند. [طباطبایی/ المیزان 2/185؛ مکارم/ نمونه 1/47]

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَتَحَرُّونَ الْبَغْيَ أُولَٰئِكَ يُرِيتُ لَهُمْ أَجْرَهُمْ وَنَعْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدِيرٌ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ [آل عمران / ۱۱۰] در این آیه خداوند امت اسلامی را با ذکر یکی از ویژگیهای آن یعنی امر به معروف و نهی از منکر، بهترین امت معرفی میکند.

قرآن ضمن اینکه یکی از اهداف پیامبر را «امت سازی» می نامد، امت اسلامی در عصر پیامبر را بهترین امت و جامعه ای دانسته است که تا آن زمان تشکیل شده بود. [بقره / 143]

از ویژگی هایی که قرآن برای امت نمونه و شاهد بیان می کند، این است که بر کارهای یکدیگر نظارت دارند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، [آل عمران / 104] تعاون بر خیر و تقوا در میان ایشان اصالت دارد؛ (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى)، برادری ایمانی در میانشان به اندازه ای است که از خود می گذرند و ایثار می کنند، در جستجوی وضعیت یکدیگر به تجسس و جاسوسی اقدام نمی کنند، غیبت و تهمت و افترا در میانشان نیست، اختلافات کلی و جزئی را با حکمت و یا رجوع به قانون حل و فصل می کنند، در میانشان شمشیر قضاوت نمی کند، جان و مال و آبروی یکدیگر را محترم می شمارند، امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را برای یکدیگر و جامعه فراهم می آورند، عوامل پدید آورنده آرامش و آسایش در جامعه را تقویت می کنند، در همه امور اصل بر تقوا و عدالت و قسط نهاده می شود، عفو و گذشت را حتی در مورد قاتل در نظر می گیرند و اصالت را به قصاص و قتل نمی دهند؛ هر چند قصاص و امور دیگری از این دست حقشان است و به یک معنا از حق خویش برای تقویت همبستگی می گذرند، اصول همدلی و همراهی را در خود تقویت می کنند، از یکدیگر انتقام نمی گیرند و

قرآن افزون بر اینکه به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت آن در میان انسان ها و ادیان توحیدی و مؤمنان واقعی تأکید کرده است، پیوندها و همبستگی امت اسلام و مؤمنان را نوعی «تصرف الهی» برمی شمارد.

امروز با توجه به اوضاع جهان اسلام، معروفی بالاتر از وحدت و یکدلی و منکری بالاتر از تفرقه خانمانسوز نیست که هستی و کیان امت اسلامی را نشانه رفته است. منکر و مفسدهای بالاتر از این وجود ندارد که اعضای امت واحده اسلامی با دشمنان علیه برادران دینی خود متحد شده و کشتن یکدیگر را با سلاحهای ساخت آنها راهی برای رسیدن به بهشت تصور میکنند، و این خود به تعبیر قرآن گمراهی آشکار است. قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا / الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا / أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِمْ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا [كهف / 103 - 105] بگوآیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم/

آنانکسانند[۱] اند که کوشش[۲]شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود مد[۳]پندارند که کار خوب انجام مد[۴]دهند/آرآنان کسانند[۵] اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. این آیه مصداق بارز جریانهای تکفیری است، که کشتن سایر مسلمانان را واجب دانسته و آن را وسیله ای برای رسیدن به بهشت و جوار رحمت الهی میپندارند، با این تفکر الحادی جنایات فجیعی مرتکب شده و زنان و کودکان بیگناه را در بازارها و مساجد به خاک و خون میکشند، و آن را عمل صالح میپندارند، به راستی که گمراهی بالاتر از این وجود ندارد.

إِنَّ هَذِهِ أُمَمٌ تَذُكُّكُمْ أُمَمَةً وَاحِدَةً وَأَنْزَلْنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ [انبیاء / 92] وَإِنَّ هَذِهِ أُمَمٌ تَذُكُّكُمْ أُمَمَةً وَاحِدَةً وَأَنْزَلْنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ [مومنون / ۵۲] در این آیات رابطه امت واحده با پرورگار تقوا و عبودیت است، یعنی امت واحده در مسیر کمال خویش باید طریق عبودیت پیموده و تقوای الهی کسب کند، اما اگر این امت، وحدت خویش را وانهد، از مسیر عبودیت و تقوا خارج گشته و دیگر امت واحده نخواهد بود، که بتواند مسر کمال را طی کند.

بنابراین، با توجه به این عناوین کلی در قرآن کریم و همچنین با در نظر گرفتن مفهوم امت، وحدت و اتحاد مسلمانان عبارت خواهد بود از: ارتباط و انسجام و یگانگی امت اسلام به عنوان یک کل واحد، صرفنظر از برخی اختلافات مذهبی، رنگ و نژاد و زبان، درانتخاب شیوه و روش واحد برای نیل به اهداف اساسی دینی، اجتماعی و سیاسی واحد در برابر دشمنان مشترک.

2- آیاتی که امر به وحدت میکنند:

الْفَوَاعِشِ مُمُوءَا بِحَبْلٍ اللّٰهُ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ ؕ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْلَفْتُمْ بِیْنِ قُلُوبِكُمْ ؕ فَاصْبِرْ حَتّٰم بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَیْ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰیَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [العمران/103] ای کسانی که ایمان آوردهاید، دسته جمعی به ریسمان خدا جنگ بزنید و اختلاف و تفرقه را کنار بگذارید، و نعمت خدایی را که میان شما الفت برقرار کرد، در حالی که دشمن همدیگر بودید، به یاد بیاورید.

این آیه به طور جدی ضرورت اتحاد و همبستگی، میان مسلمانان را مطرح می کند.

واژه «حبل»، در اصل به معنای وسیله ای است که انسان توسط آن به مقصد و حاجت خود برسد، مانند ریسمانی که انسان با جنگ زدن به او خود را از ته چاهی و مانند آن نجات دهد.[رشید رضا/

در این آیه شریفه چند نکته اساسی زیر در جهت انسجام بخشی مسلمانان ذکر شده است:

یک: جمله «واعتصموا بحبل الله...» تمثیل، [طبرسی/ مجمع البیان، 2/803] یا استعاره تمثیلیه است؛ زیرا حالت و موقعیت مسلمانان در تمسک آنان به کتاب الله و یا در متحد بودنشان و هم پشت و یار بودنشان نسبت به یکدیگر، تشبیه شده است به حالت چنگ زدن کسی از مکان بلند، به ریسمان محکمی که مایه امنیت است و از سقوط او جلوگیری می کند. [رشید رضا / همانجا]

فخر رازی این رابطه شباهت را این گونه به تصویر می کشد:

کسی که از مسیر بسیار خطرناک و پرتگاه هولناکی عبور کند، همواره هراس دارد از آن پرتگاه که انتهای آن ناپیداست سقوط کند، ولی با گرفتن طنابی که دو طرف آن در جایی محکم و استوار است، با اطمینان خاطر از آنجا عبور می کند و خود را به مقصد می رساند. مسیر و طریق سعادت که خداوند در این آیه پیشنهاد می کند شبیه همان مسیر خطرناکی است که تمسک به کتاب خدا (و اسلام) باعث نجات می شود. [فخر رازی/ تفسیر الکبیر، 4/151]

دو: خداوند نحوه تمسک و چنگ زدن به این ریسمان محکم را با واژه «اعتصام» که از ریشه «عصمت» است بیان کرده است؛ با اینکه می شد آن را با کلمه «تمسکوا» و یا عبارتهای دیگر اظهار نماید. چنین تعبیر لطیف و زیبایی این نکته را به ما می فهماند که اگر مسلمانان با وحدت و همدلی تمام و عاری از هرگونه اختلاف و غرضهای سوء، به حبل الله چنگ بزنند، باید بدانند که از آفتها و لغزشها در امان مانده و بیمه شده اند. به قول سید قطب، اعتصام به این نعمت است که خداوند بر مسلمانان صدر اول منت نهاده است. لذا صرف تجمع به هر شکلی مطلوب نیست، بلکه باید بر اساس عصمت باشد. [سید قطب/ فی ضلال القرآن، 2/25]

سه: جمله «واعتصموا» (تمسک شوید)، از یک طرف در قالب «فرمان» و دستور بیان شده و از سوی دیگر به صورت «خطاب جمعی» به ملت مسلمان است. از طرف دیگر، همان فرمان عمومی را با کلمه «جميعاً» تأکید کرده است تا بفهماند که اولاً این تمسک باید دسته جمعی و از سوی همه مسلمانان صورت گیرد؛ ثانیاً چون در آیه شریفه هیچ قید زمان و مکانی لحاظ نشده، این تمسک وقتی در حالات اجتماعی و سیاسی مسلمانان تأثیر مثبت می گذارد که در طول تاریخ و در همه شرایط انجام گیرد. [همانجا]

نکته قابل تأمل اینکه شأن نزول آیه شریفه که دو قبیله «اوس» و «خزرج» اند، این خصوصیت را

داشته اند که به طور دسته جمعی به «حبل ا» متمسک شده اند و از این قضیه زمانی نگذشت که آثار سعادت و حلاوت نعمتهای الهی در زندگی برای آنان پدیدار گشت. [طباطبایی/ المیزان، 3/576]

شاید همین نکته در آیه باعث شده که عده ای از مفسران بر اساس روایاتی «حبل ا» را به «جماعت» تفسیر کرده اند [سیوطی/ الدر المنثور، 2/107] و گویا خواسته اند بگویند: جماعت خود ریسمان محکم الهی است و کسانی که همدست و همسو باشند، نجات یافته اند.

زمخشری، نیز آیه را این گونه معنا می کند: «دسته جمعی به خدا استعانت کنید و خود را به او استوار نمایند و اختلاف و تفرقه نکنید.» [زمخشری/ الکشاف، 1/450]

چهار: نکته جالب تر اینکه در آیه شریفه اتحاد و همبستگی یا رفع اختلافات و درگیری میان پیروان اسلام یا تمسک به حبل ا تعبیر به «نعمت» شده است.

پنج: هرچند شأن نزول آیه دو قبیله اوس و خزرج است، [همانجاها] ولی خطاب آیه شریفه به عموم مسلمانان است (واعتصموا.. جمیعاً). طبیعی است که خوان این نعمت الهی همچنان گسترده است و کافی است مسلمانان از خود این شایستگی و کفایت را به نمایش بگذارند و از این نعمت بزرگ بهره مند گردند. این نکته که واژه «نعمت» دو بار در آیه ذکر شده، خود دلیل اهمیت فراوان آن است.

مفسر المیزان، جمله «واذکروا نعمت ا علیکم...» را بر اساس عادت و رسم قرآن کریم، علت و سبب دعوت به اعتصام به حبل ا می داند. خداوند می خواهد پیروان قرآن را به حقیقت دین و سعادت دین برای انسان در نظر دارد، آشنا کند و از تقلید و پیروی کورکورانه باز دارد، [طباطبایی/ همان، 572/2] می خواهد بفرماید: اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می خوانیم بی دلیل نیست. دلیل اینکه شما را بدان دعوت کرده ایم همین است که خود به چشم خویش ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید (داستان اوس و خزرج) و در اثر تفرقه به لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید. بدانید که این تمسک به حبل ا و اتحاد شما نعمتی از ناحیه ماست و متوجه شوید که تمامی دستورهای که به شما می دهیم، به نفع شماست و سعادت و رستگاری شما را تأمین می کند. [همان]

شش: در پایان آیه شریفه، خداوند پیامد دردناک عدم اتحاد و همدلی مسلمانان را عرضه می دارد (بعد منفی) و خاطر نشان می سازد که از آنچه برگزشتگانتان یعنی اوس و خزرج، رفته است، عبرت بگیرید؛ آنان بر اثر اختلاف شدید مشرف به هلاکت بودند، ولی در سایه لطف خدا و ظهور اسلام نجات یافتند (...وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها) «شفا حفرة» به معنای لبه پرتگاه است که هر کسی

قدم بر آن بگذارد، مشرف به سقوط در آن خواهد بود. [همان] جمله «من النار» را برخی به آتش آخرت -تفسیر کرده اند، [سیوطی/همان، 2/109] و برخی هم آن را به پرهیز از جنگها و نزاعها تفسیر کرده اند. [طباطبایی/ همان، 3/575]

بنابراین اتحاد در کاربردهای قرآنی از چنان جایگاه خاص و ویژه ای برخوردار است که از آن به عنوان نعمت خاص یاد می کند و خداوند را در ایجاد آن به طور مستقیم دخیل می داند. همچنین از مؤمنان می خواهد تا با یادآوری دوران تلخ تفرقه و آشوب، در حفظ اتحاد بکوشند؛ زیرا اتحاد میان امت مؤمن به خواست خداوند شکل گرفته است: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمُ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ شَافِهِمْ حُفْرَةً مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» . [همان/ 103] از اینکه قرآن در آیه مذکور به مسئله دشمنی میان مردمان اشاره دارد، می توان دریافت که دشمنی و اختلاف موجود در میان مردم موجب می شد که آنان نتوانند حتی در این جهان از آثار و برکات اتحاد بهره مند شوند. در نگرش قرآنی «اتحاد» انسان ها از چنان جایگاه و ارزش خاصی برخوردار است که قرآن در پنج آیه به صراحت این نکته را مورد توجه قرار می دهد که اگر مصلحت ایجاب می کرد، خداوند با اراده تکوینی خود، همه مردم را امتی یک پارچه قرار می داد. [مائده/ 48؛ انعام/ 35؛ هود/ 118؛ نحل/ 16؛ شوری/ 8].

(ب) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ [بقره/ ۲۰۸]

در این آیه، قرآن همه را امر به صلح و آشتی مینماید، بنابراین با توجه به برکاتی که بر این امر مترتب است میتوان استنباط نمود که حفظ صلح و برادری از امور واجب است که خداوند بدان امر نموده است و مومن حقیقی به عنوان عضوی از امت اسلامی میبایست امر پروردگار را مانند سایر احکام واجب (نماز، روزه) به جای آورد. در ادامه پروردگار از پیروی از گامهای شیطان برحذر میدارد چرا که شیطان دشمنی آشکار برای بندگان خداست. کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به يك معنا است : و کلمه (کافه - همگی) مانند کلمه جمیعا تاءکید را افاده می کند و مؤمنین مأمور شده اند همگی داخل در سلم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به يك يك افراد جامعه است ، هم بر يك يك افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا چون و چرا نکنند، و تسلیم امر خدا و رسول او گردند.

از مفهوم این آیه چنین استنباط می شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکانپذیر است ، و تنها به اتکاء قوانین مادی هرگز جنگ و ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد، زیرا عالم ماده، و علاقه به آن، همواره محل کشمکشها و تصادمها است ، و اگر نیروی معنوی ایمان ، آدمی را کنترل نکند، صلح غیر ممکن است . بلکه می توان گفت از دعوت عمومی این آیه ، که همه مومنان را بدون

استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیائی و قشر اجتماعی ، به صلح و صفا دعوت می کند، استفاده می شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد امکانپذیر است.

سپس می افزاید: از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است (و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین) بسیاری از انحرافات و وسوسه های شیطانی به صورت تدریجی انجام می گیرد، و هر مرحله در حقیقت گامی از گامهای شیطان است. خطوات جمع خطوة به معنی گام و قدم است در اینجا نیز این حقیقت بیان شده که انحراف از صلح و عدالت و تسلیم شدن در برابر انگیزه های دشمنی و عداوت و جنگ و خونریزی از مراحل ساده و کوچک شروع می شود، و به مراحل حاد و خطرناک ، منتهی می گردد، و مطابق ضرب المثل معروف عرب « ان بدو القتال اللطام / آغاز جنگ یک سیلی است » گاهی یک حرکت کوچک از روی عداوت ، آتش جنگ ویرانگری را بر می انگیزد، لذا افراد با ایمان که مخاطب در این آیه اند، باید از همان آغاز بیدار باشند و جرقه های کوچک عداوت و دشمنی را خاموش سازند. [مکارم / تفسیر نمونه/ ج 2 / 54]

(پ) يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ [انفال/ 1] ای پیامبر از تو در باره غنائم جنگی می پرسند بگو غنائم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

در شأن نزول این آیه چنین آمده که در میان بعضی از مسلمانان مشاجرهای در مورد غنائم جنگی در روز بدر واقع شد و برای قطع این مشاجره نخست ریشه آن که مسأله غنیمت بود زده شد و به طور درستی در اختیار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت، سپس دستور اصلاح میان مسلمانان و افرادی که با هم مشاجره کردند، به دیگران داد. اصولا اصلاح ذات البین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورت ها و دشمنی ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی ، یکی از مهمترین برنامه های اسلامی است

ذات به معنی خلقت و بنیه و اساس چیزی است ، و بین به معنی حالت ارتباطی و پیوند میان دو شخص یا دو چیز است ، بنابراین اصلاح ذات البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است .

در تعلیمات اسلامی به اندازه های به این موضوع اهمیت داده شده که به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است ، به طوریکه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اصلاح

ذات البین افضل من عامة الصلوة و الصیام [ترمذی/ سنن ترمذی، 4/320] : اصلاح رابطه میان مردم از انواع نماز و روزه مستحب هم برتر است. علت اینهمه تأکید در زمینه مسأله اجتماعی با کمی دقت روشن می شود زیرا عظمت و توانائی و قدرت و سربلندی يك ملت ، جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نیست ، اگر مشاجره ها ، اختلافات كوچك اصلاح نشود، ریشه عداوت و دشمنی تدریجا در دلها نفوذ می کند، و يك ملت متحد را به جمعی پراکنده مبدل می سازد، جمعی آسیب پذیر، ضعیف و ناتوان و زبون در مقابل هر حادثه و هر دشمن ، و حتی میان چنین جمعیتی بسیاری از مسائل اصولی اسلام همانند نماز و روزه و یا اصل موجودیت قرآن به خطر خواهد افتاد.

به همین دلیل بعضی از مراحل اصلاح ذات البین شرعا واجب و حتی استفاده از امکانات بیت المال برای تحقق بخشیدن آن مجاز است و بعضی از مراحل آن که با سرنوشت مسلمانان زیاد تماس ندارد مستحب مؤ کد است . [مکارم / همانجا 84]

(ت) إِنْ زَمَّ مَا إِلَهُكُمْ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِإِخْوَانِهِمْ وَآخُوهُمْ بِإِيمَانٍ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [حجرات 10/] مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

قرآن در اینجا به عنوان يك قانون کلی و عمومی برای همیشه و همه جا می گوید: هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند در میان آنها صلح برقرار سازید. (و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما) همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی تلاش و کوشش می کنید باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح به طور جدی و قاطع وارد عمل شوید. آنچه از آیه فوق به ضمیمه قرائن دیگر مخصوصا اشاراتی که در ابواب امر به معروف و نهی از منکر آمده است می توان استفاده کرد این است که اصلاح در میان گروههای متخاصم مسلمین يك امر واجب کفائی است . این تعبیر زیبایی است که همه مؤمنان برادر یکدیگرند و نزاع و درگیری میان آنها را درگیری میان برادران نامیده که باید به زودی جای خود را به صلح و صفا بدهد.

- اهمیت اخوت اسلامی

جمله (انما المؤمنون اخوة) که در آیات فوق آمده است یکی از شعارهای اساسی و ریشه دار اسلامی است ، شعاری بسیار گیرا، عمیق ، مؤثر و پرمعنی . دیگران وقتی می خواهند زیاد اظهار علاقه به هم مسلکان خود کنند از آنان به عنوان رفیق یاد می کنند، ولی اسلام سطح پیوند علائق دوستی مسلمین را به قدری بالا برده که به صورت نزدیکترین پیوند دو انسان با یکدیگر آنهم پیوندی براساس مساوات و برابری ، مطرح می کند، و آن علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر است .

روی این اصل مهم اسلامی مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله ، و دارای هر زبان و هر سن و سال ، با یکدیگر احساس عمیق برادری می کنند، هر چند یکی در شرق جهان زندگی کند، و دیگری در غرب .

در مراسم (حج) که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می شوند این علاقه و پیوند و همبستگی نزدیک کاملاً محسوس است و صحنه ای است از تحقق عینی این قانون مهم اسلامی .
به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمانها را به حکم يك خانواده می داند، و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب کرده ، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. [مکارم / تفسیر نمونه/ ج 22 /]

2 - 1 رابطه وحدت و ایمان

با توجه به مطالب بیان شده و آیات صریح قرآن میتوان نتیجه گرفت که رابطه مستقیمی میان وحدت و ایمان وجود دارد و بلکه وحدت لازمه ایمان است. وحدت مقوله ای است که از اعتقاد راسخ و ایمان راستین سرچشمه می گیرد. هرجا که نسبت به حقیقتی، برای جمعی از انسان ها یقین حاصل شود، در آن امر اختلاف و تشتت آرا دیده نخواهد شد. به طور مثال، در امر بدیهی مثل « خورشید در خشان است » هیچ انسان عالم و عاقلی شک نمی کند. در مسایل اعتقادی نیز چنین است؛ افرادی که از راه تعقل و برهان و یا از راه کشف و ایمان، به یقینی بودن و قطعیت دین خود اعتقاد دارند، در چنین مرحله ای دیگر دچار شک و تردید و اختلاف نخواهند شد.

وحدت امری است که تنها به وسیله ایمان مبتنی بر آگاهی عمیق، و تزکیه نفس و رها شدن از تعلقات هواهای نفسانی ممکن می گردد. کسانی که هنوز گرفتار جهل و عصبیت و دلبستگی به حسب و نسب و امتیازهای دنیوی و مرز بندی های شیطانی و تحت تأثیر منافقان و دشمنان دین هستند، نمی توانند در خط توحید و اعتقادات مشترک با مؤمنان قرار گیرند و به صلح و مودت و اخوتی که لازمه ایمان است و حق تعالی به آن می خواند، دست یا بند. و همچنین نمی توانند جامعه ای مبتنی بر ایثار و الفت و وحدت و جامعه ای که در پی اجرای تعالیم شریعت و ارزش های متعالی اسلام است به وجود آورند. تنها در پرتو ایمان و اعتقاد راستین به خدا و تعالیم وحی است که وحدت و هم دلی به وجود می آید. وحدت هدیه ای الهی است که خداوند تنها به مؤمنان راستین که از تعلقات مادی رها شده و رسته اند عطا می کند. به تعبیر قرآن: «لَوْ أَنْفَقْتَ مِمَّا فِي لَرَؤُفِ جَمِيعاً مَّا أَلَّكَ فَتَ بَيِّنَ قُلُوبِهِمْ». اختلاف در امور دین، که موجب انشعابات فکری و گرایش های فرقه ای می شود از نظر اسلام مردود و منهی است. قرآن کریم علت اصلی اختلاف در دین را بغی شمرده است.

قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُْ الْعِلْمُ بَعْدَ بَيِّنَاتٍ بَيِّنَاتٍ» [شوری/14]

یعنی: آنان دچار تفرقه و اختلاف و تشتت نشدند، مگر بعد از این که علم به حقیقت و تعالیم وحی پیدا کردند، و این تفرقه جز از روی بغی و تجاوز از حق نبود.

این تفرقه، تفرقه بعد از علم و اعراض از حق آشکار، و گمراهی بعد از بیان است، که از نظر قرآن «بغی» نامیده می‌شود؛ زیرا وقتی حق آشکار باشد مجادله و احتجاج و خصومتی به معنای ندیدن حق روشن و آشکار، و عناد ورزی و تعدی از حکم روشن قرآن است.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا سَدَّ حُجُبَ اللَّهِ عَنْهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» [شوری/16]

شکی نیست که نفاق و تفرقه نشانه ضعف ایمان و حضور شیطان در معرکه است؛ زیرا جامعه مؤمنان که بر پایه ایمان و مودت و اخوت، و پیروی از آیات الهی و پیام‌های رسول رحمت و هدایت، شکل گرفته است همواره باید حول محور وحدت و اخوت و رحمت بچرخد و حکم خداوند سبحان را با جان و دل بپذیرد که فرمود: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» [فتح / 29]

3- آیاتی که از اختلاف و تفرقه نهی میکند:

از آنجا که اتحاد، اتفاق و وحدت در مقابل مخالفت، اختلاف و تفرقه به کار رفته است، لازم است نخست به مفهوم اختلاف و سپس به تاریخچه آن اشاره گردد:

اختلاف، مخالف اتفاق، [طبرسی/ همان، 2/447] به این معناست که یکی برخلاف جهت دیگری برود. اصل اختلاف، از اختلاف مسیر اخذ شده، همانند اینکه می‌گوییم: مسیر و راه ما متفاوت است؛ او به راهی می‌رود و من به راهی دیگر. سپس همین معنا از باب مشابهت، در اختلاف مذاهب به کار رفته است، یعنی هر مذهب خلاف جهت دیگری را بر می‌گزیند. [همانجا] به عبارت دیگر، اختلاف و مخالفت به این مفهوم است که هر کسی راهی و شیوه‌ای را برخلاف رفتار و شیوه دیگری، در حالات و گفتارش برگزیند. [راغب اصفهانی/ مفردات، 249]

همچنین با مراجعه به قرآن کریم، آیاتی به چشم می خورد که همین مفهوم را یادآور می شود. از جمله آیه 65 سوره زخرف اختلافات امت حضرت عیسی(ع) را درباره او این گونه تصویر می کند: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمِ الْقِيَمِ»

« گروهها و حزبهایی مختلف از بین امت عیسی(ع) در مورد وی اختلاف کردند، (بعضی به وی کفر ورزیدند و عیش گفتند، و جمعی دیگر به وی ایمان آوردند و درباره اش غلو کردند و جمعی راه میانه و اعتدال را رفتند.»[طباطبایی/ المیزان، 18/178]

3-1: پیشینه اختلاف در میان انسانها

با نگاهی به آیات قرآن درباره اینکه امتهای گذشته چه طرز تفکری داشته اند و چگونه می اندیشیده اند و آیا با همدیگر همسویی و انسجام داشته اند و یا اختلاف، نکاتی به دست می آید. به نظر می رسد آیه 213 از سوره بقره به طور واضح اعلام می کند که انسانهای ابتدایی، با قطع نظر از اختلاف سلیقه، به لحاظ سادگی در چگونگی زندگی و عدم پیچیدگی در اندیشه و آرمانها، نوعی اتحاد و اتفاق داشته اند، گرچه این همبستگی به تبع فکر و اندیشه آنان، بسیار پیش پا افتاده و ساده بوده است. ولی به همان مقیاس که سطح فکری آنان رشد می کند و رو به جلو می رود، به همان اندازه این همسویی رو به افول می گذارد، چنان که آیه شریفه می فرماید:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.» [بقره/213]

این آیه شریفه بیانگر آن است که مردم به صورت امتی یک پارچه زندگی می کردند و در میان آنان اختلافات پیچیده ای که نیاز به شرایع آسمانی باشد، وجود نداشت، سپس اختلاف و نزاع در میان آنان پدید آمد، لذا خداوند برای حل اختلافات آنان پیامبران را که بشارت و بیم دهنده بودند، مبعوث کرد، و با آنان کتاب و شریعت آسمانی را به حق فرو فرستاد تا مبنای داور در اختلافات آنان باشد.

صاحب تفسیر المنار معتقد است، متفاوت بودن طبیعت انسانها از نظر شکل ظاهری، رنگ، سلیقه، استعداد و... که نشانه های تجلی قدرت خداوند است، [رشیدرضا/ المنار، 2/282] خود زمینه اختلافات و تضادهای وسیع تری را فراهم می کرد. برخورد و تلاقی منافع مادی بر اثر توسعه بهره وری از طبیعت، مقام، غریزه شهرت یا بی در سایه گسترش دانش، روابط گروهی و فردی به خاطر توسعه جمعیت و نفوس آدمی، آداب و محیط و...، هر کدام در ایجاد اختلافات نقش اساسی داشت. این امر زندگی بشر را تهدید می کرد

و نظام اجتماعي و گروهی را مختل می‌ساخت. به گفته برخی از مفسران، این اختلافات امری ضروری و وقوعش در میان جامعه بشری امری حتمی بوده است. [همانجا]

2-3 بعثت انبیاء راهی برای پایان دادن به اختلافات بشر

اینجا بود که خداوند از در لطف بی‌پایان و حکمت حکیمانه اش، بعثت انبیا و ارسال کتابهای آسمانی را راه درمان مرض اختلافات این موجود، قرار داد و نسخه بلند و جاودانه ای، بر اساس علم نامحدودش به ابعاد مختلف بشر، پیچید که انسان همواره داروی درمانش را از آن بخواهد. بنابراین، نخستین اختلافات که درحوزه باورها و رفتار و منافع انسان در تاریخ بشر رخ داد، به مساعدت تفاوت‌های ذاتی و طبیعی آشکار و یا نهفته در انسان، شکل گرفت که خود، باعث تشریع دین و ارسال قوانین الهی گردید و نخستین رفع اختلاف هم به وسیله دین و آموزه های دینی صورت گرفته است. [طباطبایی/المیزان، 2/18]

اما داستان به همین جا ختم نشد بلکه بعد از بعثت انبیاء و نزول شرایع آسمانی برای رفع اختلاف میان مردم دومین اختلافی که در عرصه زندگی انسانها به وقوع پیوست، اختلاف در خود «دین» و میان پیروان ادیان بود. دینی که مایه رفع اختلافات بود و می‌بایست همچنان نقش خود را بالنده تر ایفا کند، به تدریج در خود آن اختلاف ایجاد شد. این نوع اختلافات که در مقیاس وسیع ابراز وجود می‌کرد، چیزی نبود که طبیعت کلی بشر آن را بر روابط انسانها تحمیل کرده باشد، بلکه ناشی از انحراف، لجاجت، طغیانگری و حسادتهای خود پیروان ادیان بوده است. [همانجا] قرآن کریم در چندین آیه به این معنا تصریح می‌کند: «...تنها گروهی از کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری در آن (دین) اختلاف کردند.» [بقره/213]

قرآن در آیه 14سوره شوری به صراحت این معنا را خاطر نشان می‌سازد:

دینی که برای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، تشریع کردیم، برای تو تشریع کردیم و دستور دادیم که آن را به پا دارید و در آن اختلاف نکید، ولی گروهی که عالم بدان بودند، از در حسادت و طغیان آتش اختلافات را شعله ورکردند.

3-3 اختلاف در میان امت اسلام

با ظهور مکتب نجاتبخش اسلام و آخرین دین خدا، در سرزمین آشفته و بحران زده ای که سالهای طولانی در آتش اختلافات ناشی از پیش پا افتاده ترین مسائل می‌سوخت، یکباره آلام و دردهای بی درمان

آن سرزمین تسکین یافت و شعله های جنگ و نسل کشی فروکش کرد. جزیره العرب که مهد خشونت و بی رحمی بود و بلند آوازه ترین بتهای جهالت و خدایان خرافات را در خود داشت، مبدل به کانون الفت و مهربانی و پایگاه خدا باوری گردید. انسانهایی که روزگاری تشنه خون همدیگر بودند و سایه برادرشان را با تیرهای کینه و حسادت نشانه می گرفتند، به جایی رسیدند که الگوی ایثار و از خود گذشتگی در راه دین خدا و نماد همبستگی پیروان آن قرار گرفتند.

بنابراین، در سایه تعالیم دین اسلام و با رهنمودهای دلسوزانه پیامبر گرانقدر اسلام، میان طوایف و قبایلی که رو به دین می آوردند و خود را مطیع فرمان خدا و رسولش قرار می دادند، اتحاد و همبستگی عمیق ایجاد شد. تا زمانی که رسول الله(ص) در قید حیات بود و مسلمانان از وجود با برکت او نفع می بردند، اختلافاتی که باعث نگرانی و هراس گردد، در میان مسلمانان وجود نداشت؛ زیرا آنان در هر موردی که دچار اختلاف می گشتند، به رسول خدا(ص) مراجعه می کردند و حضرت اختلافات را طیبانه برطرف می کردند.[طه جابر/ ادب الاختلاف في الايام، 33]

اما متأسفانه، همزمان با غروب غم انگیز آن حضرت، بار دیگر اختلافاتی که به سان آتش زیر خاکستر، سر در نقاب برده بود و هنوز ریشه های آن از عمق جاهلیت آب می خورد، شعله کشید و فضای صمیمیت مسلمانان واقعی را آلوده کرد. از جمله اختلافاتی که در واپسین روزهای عمر شریف حضرت (ص) رخ داد، می توان به اختلاف در مورد حرکت سپاه اسامه، اختلاف در اصل وفات پیامبر و اختلاف بر سر محل دفن رسول خدا (ص) اشاره کرد. [همانجا]

اما ماندگارترین اختلاف میان مسلمانان، اختلاف در مورد جانشینی پیامبر اکرم(ص) بود. و در مورد اینکه جانشین حضرت چه کسی باشد، از مهاجرین باشد یا از انصار، یک نفر آن را به عهده بگیرد یا گروهی، اختلاف شد. البته اوصاف و ویژگیهای خلیفه پیامبر نیز مورد اختلاف بود که آیا باید عین صفات و خصوصیات رسول الله(ص) را داشته باشد یا کمتر از آن هم کفایت می کند.[ترمذی/ سنن ترمذی، 3/338] این اختلافات سبب شد که میان شیعه و سنی در مسائل فقهی و کلامی هم اختلاف ایجاد گردد! [60]

به عقیده شهرستانی، صاحب کتاب الملل و النحل، این بزرگ ترین اختلاف و شکاف میان مسلمانان بود که سرچشمه اختلافات دیگر در طول زمانهای پس از آن گردید.[شهرستانی/ الملل و النحل، 1/ 22 - 29]

این نزاع و شکاف، گرچه پس از وفات رسول خدا(ص) صورت گرفت و همه مسلمانان همچنان به عقاید مشترک میان آنان در عهد رسول الله(ص) پایبند ماندند، اما از آنجا که منشأ اختلافات بعدی در تاریخ اسلام و متفرق شدن امت واحده زمان رسول خدا (ص) به فرق گوناگون گردید، ضربه بسیار بزرگی به امت اسلامی زد و بعدها با ورود امتهای دیگر به حوزه اسلامی به اختلافات ریشه دارتری دامن زد و در مقاطع

صاحب المنار، با چشم پوشی از آنچه پس از وفات رسول خدا (ص) رخ داده است، نخستین اختلافات میان مسلمانان را، اختلاف میان علی (ع) و معاویه بن ابی سفیان می داند و گروه دوم یعنی معاویه را « فرقه باغیه » می خواند و پس از آن، جنگ خوارج و شیعه را اختلاف بعدی و جنگ میان مصریون و وهابیون را آخرین اختلافات، بر می شمارد. [رشیدرضا / المنار، 3/10]

به هر حال، آنچه در تاریخ اسلام به وضوح قابل تأیید است و هیچ تردیدی در آن نیست، این است که در آغاز، در سایه تعلیمات قرآن و تدبیرهای معمار این دین، اتحاد و همبستگی بی مانندی میان مسلمانان ایجاد شد و صمیمیت و اخوتی مثال زدنی نه تنها میان مسلمانان که میان غیر مسلمانان تحت سیطره اسلام نیز شکل گرفت، ولی دیری نپایید که با غروب دردناک آخرین فرستاده خدا، در همان لحظات نخست، نطفه اختلافات به شکل و قیافه جدید، منعقد گردید و همچنان در عرصه های گوناگون افزایش یافت! اما درباره اینکه حق با کدام طرف بود و کدام طرف بر دین نوپای اسلام جفا روا داشت، باید گفت: اولاً بررسی و بحث آن، در شرایط کنونی هیچ دردی از مسلمانان را دوا نمی کند؛ هرچند طرفداران هرگروه در جای خود اعتقادات خویش را به اثبات رسانده اند. ثانیاً از آنجا که این سطور همبستگی و وحدت مسلمانان را هدف همت خود قرار داده است، لازم است به این مهم بپردازیم که اکنون که اختلاف و تفرقه در امت اسلامی کیان آن را نشانه رفته و مسلمانان کار اختلاف را به جنگهای خانمانسوز و ویرانگر کشانده اند، چه باید کرد و چاره کار چیست؟

در مطالبی که پیشتر بیان شد به اوامر خداوند در قرآن اشاره کردیم که امت اسلامی را با عناوین مختلف به وحدت و یکپارچگی امر میکند، و میتوان بر اساس اصول مدون فقه اسلامی این اوامر را جزء واجبات دینی قلمداد نمود که عمل به آنها الزامی است و سرپیچی از اوامر خداوند معصیت بوده و کیفر اخروی در پی دارد. و برعکس در صورت عمل به این اوامر، علاوه بر منافع که برای حیات امت اسلامی در پی دارد، مستوجب اجر و پاداش اخروی هم خواهد بود. اما در قرآن علاوه بر امر به وحدت، با عناوین مختلف از تفرقه و اختلاف هم به فراوانی نهی شده است، که میتوان این نواهی را مانند اوامر واجب بر اساس اصول فقهی قلمداد نموده و آنها را جزء محرمات دانست که باید مانند سایر محرمات از این امور پرهیز کرد.

3- 4 تهدید به عواقب اختلاف

از جمله روشهای هدایت قرآن کریم این است که پیروانش را به عواقب و پیامدهای معصیت، تهدید نموده تا از این طریق انگیزه ایجاد کند. قرآن در مورد اهمیت اتحاد مسلمانان نیز در آیه 105 از سوره آل

عمران، خطاب به مسلمانان هشدار می‌دهد که بر اثر اختلاف و تفرقه میان خود، به سرنوشت امت‌های قبلی همچون یهود و نصاری مبتلا نشوید که عذاب عظیم در انتظارتان خواهد بود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَآخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» / مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن‌هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید، و آنها عذاب عظیمی دارند. «مقصود از «الذین» یهود و نصاری هستند و آیه بر حرمت اختلاف دلالت می‌کند. [طبرسی/ مجمع البیان، 2/808]

آیه شریفه هشدار می‌دهد که اولاً شما باید وحدت و همسویی داشته باشید و آن را در هر شرایطی حفظ کنید؛ ثانیاً مانند قوم یهود و نصاری دچار تشتت و پراکندگی نشوید و ثالثاً در صورتی که به این هشدار توجه نکنید، بدانید که سرنوشت بد و دردناکی در انتظار شماست!

اصرار قرآن در این آیات در باره اجتناب از تفرقه و نفاق، اشاره به این است که این حادثه در آینده در اجتماع آنها وقوع خواهد یافت زیرا هر کجا قرآن در ترساندن از چیزی زیاد اصرار نموده اشاره به وقوع و پیدایش آن مدّی‌باشد. لذا در پایان آیه مدّی‌فرماید: «کسانی که با بودن ادله روشن در دین چنان اختلاف کنند به عذاب عظیم و دردناکی گرفتار مدّی‌گردند.

برخی از مفسران می‌گویند: بعید نیست جمله «من بعد ما جاءهم البینات» متعلق به جمله «واختلفوا» باشد که در این صورت منظور از «اختلاف» تفرقه از حیث اعتقاد و مراد از «تفرقه» اختلاف و تشتت از حیث بدن‌هاست. اگر تفرقه را جلوتر از اختلاف ذکر فرمود، برای این است که تفرقه و جدایی بدن‌ها از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید است؛ چون اگر یک قوم به هم نزدیک و مجتمع و مربوط باشند، عقایدشان به یکدیگر متصل می‌گردد و در آخر از راه تماس و تأثیر، متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در میان‌شان رخ‌نمی‌کند. برعکس، وقتی افراد از یکدیگر پراکنده و بریده شدند، همین اختلاف و جدایی بدن‌ها باعث اختلاف مشرب‌ها و مسلک‌ها می‌شود و به تدریج هرچند نفری دارای افکار و آرای مستقل و جدا از افکار و آرای دیگران می‌شوند و تفرقه و جدایی باطنی هم پیدا می‌کنند و شق عصای وحدتشان می‌گردد. [طباطبایی/ المیزان، 3/579]

3- 5 نکوهش اختلاف:

یکی دیگر از روش‌های هدایت مردم در قرآن این است که خداوند متعال افرادی را که به اختلاف و تفرقه دامن می‌زنند، نکوهش می‌کند، مانند آنچه در مورد منافقین مدینه اتفاق افتاد که با ساختن مسجد ضرار در مدینه قصد ایجاد تفرقه داشتند، قرآن به پیامبر دستور می‌دهد هرگز در مسجد آنها نماز نخواند. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفَرُّقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَادُوا إِلَّا اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَا تَقُومُ فِيهِ أَبَدًا» [توبه / 107 و 108]؛ گروهی دیگر از آنها کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به مسلمانان، و تقویت (کفر) و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسانی که از پیش، با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بودند؛ آنها سوگند یاد می کنند که جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم. اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند، هرگز در آن مسجد به عبادت نایست!

در نکوهش اهل اختلاف در دین همین بس که خداوند به پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم می فرماید: تو هیچ رابطه ای با اینها نداری. إِنْ أَلَّكَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ [انعام / 159] «کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته ها (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری».

خداوند همچنین موضوع تفرقه انگیزی را شیوه و راه و رسم طاغوتیان معرفی می کند. إِنْ فَرَّقُوا دِينَهُمْ فَرَّقُوا لَافِظَهُ وَجَعَلَ أَهْلَهُ لِشَيْعَةٍ [قصه / 4]؛ «همانا فرعون (پادشاه مصر) در آن سرزمین برتری و تسلط یافت و مردم آن را گروه هایی مختلف و پراکنده قرار داد (هر گروهی را در بخشی از کارهای دولت خود، و هر گروهی را دشمن دیگری می نمود)».

قرآن کریم موضوع اختلاف میان مسلمانان را یکی از انواع عذابهای خداوند می شمارد. « قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ إِنَّظُرُوا كَيْفَ يَفْعَلُ الْمُصْرَفُونَ إِلَّا يَنفَعَهُمْ ۚ لَعَلَّاهُمْ يَفْقَهُونَ» [انعام، 65] بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته های پراکنده، شما را با هم پیامیزد، و طعم جنگ و ناراحتی را به هر يك از شما، به وسیله دیگری بچشاند، بین چگونه آیات گوناگون را برای آن ها بازگو می کنیم، شاید بفهمند و بازگردند.»

تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» [حشر/ ۱۴]

عصاره ای این آیه ای کریمه این است که افرادی که دارای مبدأ مشترک و هدف مشترک و دین مشترکند، اگر دل های اینان در اثر اغراض و غرایز، پراکنده باشد، خردمند نیستند. برآستی که قرآن در تحلیل مسائل بسیار دقیق و الهام بخش است، می فرماید: تفرقه و نفاق درونی (ناشی از جهل و بیخبری و ناداناست ، چرا که جهل، عامل شرك است، و شرك عامل پراکندگی، و

پراکندگی سبب شکست، و به عکس علم، عامل توحید در عقیده و عمل و اتفاق و هماهنگی است که آنهم به نوبه خود سرچشمه پیروزیها است. بنابراین، ایه شریفه کسانی را که به تفرقه دچار شده اند نکوهش کرده و آنها را بیخرد و نادان خطاب میکند.

6-3 پیامد اختلاف

یادآوری پیامدهای اختلاف و تفرقه از روشهای موثری است که قرآن کریم با آوردن مثال و نمونههای تاریخی دورونزدیک برای نهي کردن امت اسلام از تفرقه و اختلاف بهره برده است.

« أَطِيعُوا اللَّهَ - وَ رَسُولَهُ - وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » [انفال / 46]

و از خدا و رسولش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و هیبت شما از بین برود و صبر پیشه کنید که خدا با صابران است.

در این آیه، قرآن یکی از پیامدهای منفی تنازع و اختلاف مسلمانان را اینگونه تبیین می کند: و تذهب ریحکم «در اینجا کلمه «ریح» که به معنی «باد» است کنایه از همان شوکت و قدرت میباشد یعنی اگر با یکدیگر اختلاف و نزاع کنید، شوکت و قدرت شما از میان می رود و ممکن است از رایحه باشد؛ یعنی بوی شما از میان می رود. نتیجه هر دو یکی است. زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست. [مکارم / تفسیر نمونه 7/ / 197]

یکی دیگر از آیات قرآن که از طریق بیان پیامد اختلاف، بر انسجام و همسویی مسلمانان تأکید می ورزد، آیات 152 سوره آل عمران است؛ آیه ای که داستان دردناک شکست مسلمانان را در نبرد «احد» که بر اثر اختلاف میان جمعی از جهادگران ایجاد شد، به عنوان درس عبرت آمیز یادآوری می کند. این اختلاف به شکست مسلمانان و کشته شدن تعدادی از یاران پیامبر منتهی شد. این اختلاف به ظاهر جزئی، آن چنان تأثیر منفی بر سپاه اسلام گذاشت که حتی خبر به شهادت رسیدن پیامبر خدا (ص)، سراسر میدان جنگ را پُر کرد و بسیاری از رزمندگان، مأیوسانه رزمگاه را ترک گفتند و رسول خدا را تنها گذاشتند، و اگر آن عده ایثارگر و جان برکف، محافظت جان او را بر جان خویش ترجیح نمی دادند، معلوم نبود بر سر پیامبر خدا و مسلمانان چه می آمد!

« وَلَقَدْ مَدَّكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحْسَبُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مَّا بَعْدَ مَا

أراكم مّا تحبّون منكم مّن يريد الدّنيا ومنكم مّن يريد الآخرة...».

آیه شریفه می‌فرماید: «خداوند وعده خود را به شما درباره پیروزی بر دشمن در احد تحقق بخشید؛ و در هنگامی که در آغاز جنگ دشمنان را به فرمان او به قتل رساندید و این پیروزی ادامه داشت تا اینکه سست شدید (و بر سر رهاکردن سنگرها) در کار خود به نزاع پرداختید، و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید؛ بعضی از شما خواهان دنیا بودند، و برخی خواهان آخرت».

در نبرد احد، پیامبر اسلام(ص) بر اساس موقعیت منطقه جنگی، تدابیر بسیار اساسی سنجیده بود، از جمله پنجاه نفر تیرانداز به فرماندهی عبدالله بن جبیر مأموریت داد که در تنگه پشت جبهه نگهبانی دهند و تأکید کرد که: «بر سنگرهایتان ثابت قدم بمانید و آن را به هیچ وجه ترک نکنید و حتی اگر دیدید ما در میدان نبرد دشمن را شکست می‌دهیم و بر آنها غالب آمدیم، باز هم شما تنگه را محافظت کنید.» [طبری/ الجامع البیان، 4/151] اما تک تیراندازان بعد از مشاهده پیروزی هم‌زمان خود، دچار نزاع و اختلاف گشتند. عده‌ای با فرمانده خود درباره ماندن در سنگر مخالفت کردند و خود را برای جمع آوری غنائم به میدان جنگ رساندند.

خالد بن ولید که در کمین بود و انتظار چنین لحظه‌ای را می‌کشید، به سرعت افراد تحت فرماندهی خود را وارد تنگه کرد. آنان ده نفر باقی مانده نگهبانان دره را به شهادت رساندند و از پشت بر سپاه اسلام حمله کردند. [طبری/ همانجا] مشرکان که در حال پراکنده شدن بودند، با این حادثه جدید، بار دیگر به خود سر و سامان دادند و دردآورترین زخم را بر سپاه اسلام وارد آوردند؛ هفتاد مرد جنگی شهید و بقیه جز اندکی که جان رسول الله(ص) را محافظت می‌کردند، متواری شدند. [همانجا]

اما آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود، دو نکته اساسی است:

اول: اختلاف و نزاع میان تیراندازان، که قرآن از آن به «تنازع» یاد می‌کند، به طور جدی صورت گرفت. تنازع به معنای اختلاف از مادّه «نزع» و به معنای نوعی کندن است. اختلاف را از این جهت تنازع گویند که در حقیقت طرفین نزاع، هرکدام می‌خواهد دیگری را از آنچه دارد برکند، [طباطبایی/ همان، 9/122] یا اینکه هر یک از دو طرف نزاع، میل پیدا می‌کند به غیر چیزی که دیگری به آن متمایل است، [رشیدرضا/ همان، 10/25] این اختلاف هم به خاطر یک امر کلی و نامفهوم نیست که طرفین در تفسیر و تبیین آن دچار آرای متفاوت شده باشند، بلکه آنان برای به چنگ آوردن مال بی ارزش دنیا (منکم من یرید الدّنيا) فرمان رسول خدا و فرمانده خود را نادیده گرفتند.

دوم: آیه شریفه پیامد این اختلاف را «سستی و ضعف» می‌داند و می‌فرماید: در اثر اختلاف «فشل» شدید. فشل به معنای ضعف توأم با اضطراب است، [همانجا] گرچه برخی آن را به معنای ترس و جبن گرفته‌اند [طبرسی/ همان، 2/585] که این معنا با وضعیت تیراندازان سازگاری ندارد. [طباطبایی/ همانجا]، بعضی دیگر گفته‌اند: «یعنی در تصمیم و عمل دچار ضعف شدید و نتوانستید نفستان را از به دست آوردن غنیمت بازدارید.» [رشیدرضا/ همانجا]

خداوند در بیان پیامد اختلاف نمی‌گوید: سرانجام این شکاف، کشته شدن عده زیادی و شکست شما بود، بلکه می‌فرماید: پیامد آن ضعف و سستی شما بود که به مراتب دردناک‌تر از شکست و از دست دادن دلاورانان است.

سیدقطب، بعد از توضیح اختلاف میان تیراندازان دره احد، می‌گوید:

قلبها متشتت و پراکنده شدند، دیگر صف واحد نداشتند، هدف واحد از بین رفت، طمع دنیا خواهی نور اخلاص را ربود، معركة عقیده از اخلاص خالی شد... . [سیدقطب/ همان، 2/107]

در نتیجه آنچه در این حادثه بر مسلمانان رفته است، برای همه مسلمانان سرمشق و درس عبرت است و هشدار است که اگر با وحدت و همدلی و آشتی زندگی نکنند، تردیدی نداشته باشند که دشمن همواره در کمین است و برای هر جمعی و هر تفکری، دامهای رنگارنگ بر اساس سلیقه‌ها و گرایشها و طیفها و... گسترانیده است.

نتیجه گیری

از دیدگاه قرآن، ضرورت و اهمیت اتحاد، از اساسی ترین مسائل اجتماعی و دینی مسلمانان به شمار می‌رود، که حیات امت اسلامی را در گرو خود دارد. هدف واحد در سایه پرستش خدایی واحد، امر به تمسک به وحدت حول محور قرآن، هشدار قرآن به پیامد اختلاف، چنگ زدن به ریسمان الهی و...، از بارزترین موارد تأکید قرآن بر وحدت است. اختلاف، ضعف و ناتوانی در برابر دشمنان و از دست دادن ابهت و عظمت و... را در پی دارد و سرانجامی دردناک و در نتیجه تسلط دشمنان را به ارمغان می‌آورد! بنابراین با توجه به منافع وحدت و یکپارچگی و عواقب ناگوار تفرقه و مفسده حاصل از آن برای امت اسلامی، عمل به اوامرو نواهی قرآن در این زمینه امری واجب است. منظور از وحدت مسلمانان این است که همه مسلمانان با وجود دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت، در برابر دشمنان مشترک یکدست و هماهنگ و منسجم عمل کنند.

منابع و ماخذ:

– قرآن کریم

– الشرتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، تهران: دارالاسوة للطباعة و النشر، الطبعة الاولی؛ 1374 هـ . ش.

– ترمذی، محمد بن عیسی، ۲۱۰-۲۷۹ق، الجامع الصحیح (سنن ترمذی) بیروت دار الکتب العلمیه ۱۴۲۱ق

– راغب اصفهانی، حسین بن محمد، - 502ق.، مفردات الفاظ القرآن، نشر مرتضوی، تهران 1383 مترجم: غلامرضا خسروی حسینی

– زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت: ناشر دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة، 1407 هـ . ق

– سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ضلال القرآن، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع ق م

– سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه ا[مرعشی نجفی، قم، 1404ق.

– شهرستاني، أبي الفتح محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد (م 479 - 548)، الملل والنحل، تحقيق: محمد سيد گيلاني، بيروت، دار المعرفة، بي تا.

– [طه جابر فياض العلواني](#)، ادب الاختلاف في الاسلام، دارالمعرفه، بيروت، لبنان، 1430

– طبرسي ابي علي الفضل بن الحسن ، تفسير مجمع البيان، [كتابخه اسلاميه](#)، تهران، ۱۳۷۹ق.

– طباطبايي، سيدمحمدحسين، ترجمه تفسير الميزان سيد محمد باقر موسوي همداني مكان ناشر فارسي: قم
اشر فارسي: دفتر انتشارات اسلامي

– طبري، محمدبن جرير ، جامع البيان، دارالمعرفه، بيروت، لبنان 1421 ق

– علي اكبر دهخدا، لغت نامه، موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران، 1377.

– شيرازي مكارم و همكاران، تفسير نمونه، موسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت (ع قم

– محمدرشيد رضا، تفسير القرآن الحكيم (معروف به المنار) دارالمعرفه، بيروت، لبنان 1405

– كتاب وحدت (مجموعه مقالات) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، محمد واعظ زاده خراساني